

لینکلن در برزخ

جورج ساندرز

ترجمه‌ی هاشین آزادبیگی

برنده‌ی جایزه‌ی من بوکر ۲۰۱۱



نشر نفیر

www.nafir.com

زندگی با لینکلن



- | | | |
|---|---|---------------------|
| سائدرز، جورج، ۱۹۰۸ - م. | : | سرشناسه |
| Sanders, George | : | |
| لینکلن در بزرگسالان: جورج سائدرز؛ ترجمه‌ی یاشین آزادبیگی. | : | عنوان و نام پدیدآور |
| تهران: نفیر، ۱۳۹۶. | : | مشخصات نشر |
| ۳۹۴ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۱۰، م. ۵۱۰۰ | : | مشخصات ظاهری |
| ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۲۰-۹-۵ | : | شابک |
| فیبا | : | وضعیت فهرست نویسی |
| عنوان اصلی: [۲۰۱۷] Lincoln in the Bardo, a novel | : | یادداشت |
| کتاب حاضر در همین سال تحت عنوان لینکلن در باردو توسط | : | یادداشت |
| انتشارات ستاک فیبا گرفته است. | : | |
| لینکلن در باردو. | : | عنوان دیگر |
| لینکلن، آبراهام، ۱۸۰۹ - ۱۸۶۵ م. | : | موضوع |
| Lincoln, Abraham | : | موضوع |
| داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م. | : | موضوع |
| ۲۰th century -- American fiction | : | موضوع |
| آزادبیگی، یاشین، ۱۳۶۰ -، مترجم | : | شناسه افزوده |
| الف ۱۳۹۶ ل ۷۵ الف / PS۳۵۶۳ | : | رده بندی کنگره |
| ۸۱۳/۵۲ | : | رده بندی دیویی |
| ۴۹۲۱۴۵۰ | : | شماره کتابشناسی ملی |



نشر نفیر

لینکلن دربرزخ

نویسنده: جورج ساندرز

مترجم: یاشین آزادبیگی

طرح جلد: هاله قربانی تهرانی

ویرایش، صفحه‌آرایی، آماده‌سازی: گروه نشر نفیر

نویسنده چاپ اول

سال چاپ ۱۳۰۰

تیراژ: ۵۰۰

شابک: ۹۶۹۲۰-۹۶۰۰-۹۶۰۸

بها: ۵۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق چاپ و پخش این اثر برای انتشارات نفیر محفوظ است.

آدرس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی‌نژاد، کوچه‌ی سیمین، پلاک ۲، واحد ۸.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۷۶۷



@nafirpublications

www.nafirpub.ir

سخن مترجم

درست در شب ۲۵ فوریه‌ی سال ۱۸۶۲، حدوداً یک سال پس از آغاز جنگ‌های داخلی میان ایالات شمالی و جنوبی آمریکا که در نهایت منجر به پیروزی شمالی‌ها به رهبری آبراهام لنکلن و امضای قانون برده‌داری شد؛ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، آبراهام لنکلن و همسرش، می تاد لنکلن ضیافتی باشکوه را در کاخ سفید ترتیب دادند. همان شب، ویلی، پسر کوچک و یازده‌ساله‌ی این زوج که مبتلا به تب حصبه بود - علی‌رغم تشخیص پزشکان که گفته بودند حال وی در روزهای آتی بهتر خواهد شد- جانش را از دست داد. ویلی، سم به سبب ریبایی چهره و هم به خاطر رفتار آقامنشانه و مؤدبانه‌ای که از سن و سال وی پیدا بود، به شدت مورد توجه خانواده قرار داشت و تمام اعضای خانواده‌اش به نوعی به او وابسته بودند. به همین دلیل، این مرگ نابهنگام، پدر و مادرش را عمیقاً متأثر کرد. کودک را درون تابوت نهادند و به قبرستان اوک هیل در همان حوالی بردند و درون مقبره‌ای قرضی و دیوارش، متعلق به فردی به نام آقای کارول گذاشتند تا در فرصتی مناسب به جای دیگری منتقل شود. مدتی پس از این ماجرا پرده از رازی عجیب برداشته شد: لنکلن همان شب چنانچه در مجلس مهمانی در کاخ سفید را ترک گفته، به قبرستان رفته، جنازه‌ی ویلی را از داخل دیوار بیرون آورده، در آغوش کشیده، هق‌هق کرده، نوازش کرده، با او سخن گفته و دوباره طفل را سر جایش گذاشته و به مهمانی بازگشته بود. این واقعیت غم‌انگیز تاریخی بهانه‌ای شد برای خلق این رمان عجیب و غریب به قلم جورج ساندرز. رمانی تحسین‌برانگیز که با فرم و ساختارش بیشتر به نمایشنامه یا فیلم‌نامه‌ای بلند و پررمزوراز (البته نه از نوع جنایی پلیسی) می‌ماند تا یک رمان.

عنوان اصلی کتاب لینکلن در بارود است. بارود، در آیین بودایی - تبتی به جهانی اطلاق می شود که حد فاصل میان مرگ و حیات دوباره قرار دارد. چیزی شبیه به جهان برزخ در تعالیم دینی مسلمانان. از این رو صلاح بر این شد تا عنوان کتاب لینکلن در برزخ گذاشته شود. تمام وقایع رمان در طول یک شب می گذرد.

مخاطبان جدی تریادیات که آثاری از ساموئل بکت (به خصوص در انتظار گودو) و ویلیام فاکنر (به ویژه خشم و هیاهو) را خوانده اند، بی شک صدای این بزرگان را در طول رمان خواهند شنید؛ از این رو باید گفت لینکلن در برزخ رمانی چند صدایی است. بی اغراق می توان شخصیت هایی چون هانس ولمن، راجر پوینز سوم، کشیشی به نام پدر اورا، تامس ویلی لینکلن را با همتایان شان در نمایشنامه ی در انتظار گودو یعنی ولادیمیر، ایراگ، مکی و پسرک مقایسه کرد. همچنین ویلی با آن طرز سخن گفتنش که در پاره ای از آن اتمام است، شخصیت بنجی در رمان خشم و هیاهو را به ذهن مخاطب متبادر می کند. کتاب حاضر، یک رمان تاریخی است و نام برخی از اشخاص و مکان ها در آن واقعی و نه برخی دیگر خیالی است.

لینکلن در برزخ یک تراژی - کمدی است. ژانری که ریشه در نمایشنامه های روم و یونان باستان دارد و با بهره گیری از عناصر رد و ژانر تراژدی و کمدی، گاه مخاطب را اندوهگین می سازد و گاه او را می خنداند. رنچ ساندرز در ابتدا قصد داشت این رمان را در قالب نمایشنامه بنویسد. او در نگارش این رمان سبک خاصی دارد: بعضی از جملات و واژه ها را به صورت ایتالیک نوشته؛ برخی کلمات، غلط املائی و بعضی جملات اشتباهات دستوری دارند. در ضمن لغات زشت و رسته جن را ناقص و با درج خط فاصله نوشته است. تمام این موارد در متن ترجمه رعایت شده اند. نکته ی دیگر اینکه نویسنده در پاره ای از رمان از علائم سجاوندی استفاده نکرده نه این شیوه یادآور سبک ویلیام فاکنر در برخی از رمان هایش است.

ساندرز در خلق این رمان از پاره ای از منابع مستند قرون نوزدهم و بیستم درباره ی حیات آبراهام لینکلن استفاده کرده و نام منابع را نیز ذکر نموده است. جالب اینجاست که برخی از این منابع مستند به هیچ وجه مستند نبوده و زائیده ی ذهن نویسنده می باشند که این امر نشان از نبوغ و خلاقیت اعلای نویسنده دارد.

جورج ساندرز را بیشتر و بیشتر به سبب خلق داستان‌های کوتاه فوق‌العاده‌اش می‌شناختند. لینگلن در برزخ اولین رمان اوست که بی‌تردید توان او را در رمان‌نویسی با فرم و ساختاری جدید نشان می‌دهد. این رمان جایزه‌ی ادبی من بوکر را در سال ۲۰۱۷ نصیب نویسنده کرد.

قرارداد ترجمه‌ی این کتاب را برای اولین بار نشر نفیر در خرداد سال ۱۳۹۶ با من بست و طبق توافق باید کتاب را در بهمن ماه همان سال تحویل می‌دادم که متأسفانه این امر میسر نشد. مدت کوتاهی پس از شروع کار، بنا به دلایل و مشکلاتی ترجمه‌ی آن را به مدت چهار، پنج ماه متوقف کردم و سپس مجدداً سر رشته‌ی کار را در دست گرفتم. اندکی بعد، لینگلن در شرح موفق به کسب جایزه‌ی ادبی من بوکر شد که همین امر این کتاب را در معرض ترجمه‌ی نشران مختلف قرار داد و ترجمه‌های مختلفی از آن را روانه‌ی بازار کرد. علی‌رغم جو فابتم و ماراتن ترجمه و نشر این کتاب، نهایت تلاشم را کردم تا بدون تأثیرپذیرفتن از چنین شرایطی، وقت کامل و صرف وقت لازم به کارم ادامه دهم و متن این اثر را آن‌چنان که شایسته‌ی نشر و چاپ و بدیع آن است با حفظ معنا و وفاداری کامل به سبک نویسنده ترجمه کنم. لذا از ابتدای شدن مدت زمان ترجمه و نشر آن دل‌نگران نیستم. چون همواره کیفیت بیش از سرعت، ایم ارزش داشته است. شاید در این ماراتن، آخرین مترجمی باشم که به خط پایان رسیده و شاید موفق به کسب مدال سرعت نشده باشم، اما دل‌خوشم به اینکه از دیدگاه منتقدان و خوانندگان محترم گوی کیفیت را از آن خود کرده باشم. از سرکار خانم آریتا راثنی که در روزهای سکونت دارند و علی‌رغم مشغله‌های زیاد کاری در طول ترجمه همواره من را از مصایب‌های بی‌دریغ خویش بهره‌مند نمودند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

یاشین آزادبیگی